

جنبه های قضائی آزادیهای سیاسی و اجتماعی (مدنی)

در ایالات متحده آمریکا و تحولات اخیر آنها

۳ - روابط آزادیهای اجتماعی و سیاسی با انواع مختلفه آزادی عقیده

و بیان فرد و روش زندگی دموکراتیک^(۱)

(۲)

اصلاح نخستین قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بشرح زیر مقرر

میدارد که :

«کنگره قوانینی را که ناظر به ایجاد (اسر) یا منع (نهی) از گرویدن بمذهبی باشد، یا آزادی بیان و مطبوعات را محدود سازد، یا بحقوق مردم از نظر تشکیل اجتماعات غیر مغل بمنظم تحدیدی وارد آورد یا از حق شکایت مردم از جهت ادعای جبران خسارات حاصل از تقصیر حکومت، بکاهد، تصویب نخواهد کرد.»

۱ - یکصد و هشتاد و هشت سال پس از اعلامیه استقلال آمریکا بدنبال مبارزات پیگیری که از طرف ملیونها مردم محروم از حقوق انسانی بعمل آمد، قانون مدنی جدید آمریکا بوسیله لیندون جانسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۶۶ توشیح شد. باوجودیکه بعقیده برخی صاحب نظران این قانون «مهمترین قانون اجتماعی نسل حاضر است» هنوز در کشور ما حتی برای اهل فن و اغلب حقوقدانان نیز ناشناخته مانده است هرچند در طبقه بندی حقوقهای مختلفه با ایالات متحده آمریکا در یک طبقه نیستیم لیکن این اسر بنظر ما نباید موجب آن شود که ما از قانونی که در زمان خود «منشور کبیر حقوق بشر» نیز نام گرفته بیخبر بمانیم. از اینرو برآن شدیم که تا حد ممکن بررسی آن بپردازیم. اما قبل از اقدام به چنین امری بهتر دانستیم که نخست اصول معتبر قبل از حیات این قانون را بیان نمائیم تا بهنگام واری آن از سابقه حقوق معمول در آمریکا خالی از ذهن نباشیم. بنابراین نخست بتکمیل بحث مربوط به «جنبه های قضائی آزادیهای مدنی و سیاسی ایالات متحده آمریکا و تحولات اخیر آنها» که در شماره ۹۲ همین مجله قسمت ۲۰۱ آن بچاپ رسیده است میپردازیم و سپس قانون جدید را مطالعه می کنیم. باشد که حد اقل چنین مطالعاتی بقول پرونسور نی بویه «چون نور افکنی باشد که از خارج بنای حقوق داخلی کشور را روشن کند و ریزه کاریهای آنرا مجسم سازد.»

این اصلاح امروزه بوسیله عبارت اصلاح چهاردهم که ذیلا بیان میشود ، تکمیل شده است .

«هیچ ایالتی . . . نباید کسی را بدون رعایت مقررات قانونی از حق حیات ، آزادی و (سلطه) بر اموالش محروم سازد .

الف - کلیات

حقوق و آزادیهای اساسی از قبیل آزادی مذهب ، تفکیک سیاست از مذهب ، آزادی بیان و مطبوعات ، آزادی تشکیل اجتماع و حق شکایت از تقصیرات حکومت (که در اصلاح نخستین گنجانده شده اند) در مقابل هر تهدیدی که ممکن است بوسیله کنگره بر آنها عارض شود بوسیله این اصلاح مورد حمایت قرار گرفته اند و بموجب اصلاح چهاردهم از مداخلات غیر مجاز حکومت ها در اسان مانده اند .

کلیه ایالات و سازمانها و حتی کنگره از تصویب قانونی که مخالف با مقررات اصلاح نخستین باشد ، ممنوعند .

در موارد عدیده بخصوص در آنچه ذکر خواهیم کرد ، تأکید شده است حقوقیکه طبق اصلاح نخستین (برای مردم) تعیین شده است ، در سیستم مشروطیت «آمریکا» موقعیت ممتازی دارند و نمیتوان آنها را بدست آویزهای بی اهمیت نقض نمود و جز بمنظور جلوگیری از خطری بزرگ و فوری که تهدیدی متوجه منافع و مصالحی سازد که حمایت از آنها (منافع) بر عهده دولت است محدود نخواهد شد .

هدف اعلامیه حقوق این بود که برخی از مسائل را از تسلسل مباحثات سیاسی و موضوع اکثریت یا (اقلیت) پارلمانی و اینکه ماسورین دولتی وابسته با اکثریت یا اقلیت باشند خلاص کند .

و اصول قضائی قابل اعمالی را که در محضر محاکم (قابل استناد باشند) ایجاد نماید ، نتیجه انتخابات هرچه باشد از نظر حق حیات ، حق آزادی فردی ، مالکیت ، آزادی بیان و مطبوعات آزادی مذهب و تشکیل اجتماعات و سایر حقوق اساسی ، بی تأثیر است .

« . . . آزادی بیان و مطبوعات و آزادی اجتماعات غیر مهمل بنظم

و مذهب را نمیتوان بدست آویزهای بی‌اهمیت نقض کرد و جز بمنظور جلوگیری از خطری بزرگ و فوری که متوجه منافع است که حمایت از آنها وظیفه دولت است محدود نمی‌شوند» (۱)

« در مورد دیگری محکمه عالی اعلام کرده است که :

« نتیجتاً وضعیت و موقعیتی که مقتضی محدودیتهائی نسبت به مباحثات مذهبی و اعتقاد بمذهب در زمان و مکانی است ، بلا تردید باید صریح و بدون ابهام و بی‌ملت خطر آنی یا قریب الوقوعی باشد ، که نظم اجتماعی را تهدید میکند . فقط تجاوزات خطیر بمنافع و مصالح عالیه مملکتی موجب محدودیتهای مجاز خواهد شد این امر که حقوق مربوط با آزادی بیان و مطبوعات ذاتاً با حقوقی که برای تشکیل اجتماعات بمردم داده شده است و با حق شکایت از جهت ادعای جبران خسارات حاصل از تقصیر دولت ، ارتباط می‌یابد معلول تصادف و اتفاق نیست . کلیه این حقوق هر چند همسان نباشند ، لیکن از یکدیگر جداگانه ناپذیر و همذات هستند»

در دو مورد دیگر چنین اصلی به بیان زیر عنوان شده است .

« ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که آزادیهای که بوسیله این اصلاح تضمین شده‌اند و شامل آزادیهای بیان ، مطبوعات ، مذهب ، تشکیل اجتماعات و حق شکایت از دولت میباشند ، بطور مطلق برای حفظ یک اجتماع آزاد که در آن حکومت مبتنی بر رضایت مردم مطلع (بحقوق خود) میباشد ، ضروری است ، و این آزادیها حقوق تمام افراد ملت ، حتی اقلیت های بسیار ضعیف را حمایت می‌نماید .»

« اصلاح نخستین تنها سیستمی را که بتواند حکومت آزادی را تضمین نماید ، پیش بینی می‌کند و راه را برای نیل به خواستها و برخورداری از مواهب آزادی مباحثات ، کسب مقامات عالیه ، و عرضه دواعی و نظریات افراد باز میگذارد و از اینکه این موضوع برای اکثریتی از ما (آمریکائیه‌ها) خوشایند نباشد و حتی موجب تکدر ما گردد پروائی ندارد .» (۲)

هرگونه تصویبنامه ایالتی یا رأی شهرداری که تمتع مسالمت‌آمیز

۱ - Board of education.

۲ - Spelser V. Randall 357 U. S. 513,530 (1958) Opinion Concordat

از این آزادیها را با اجازه مأمورین دولتی منوط سازد، تحدیدی است که با آزادیها وارد شده است.

ب - آزادیهای مذهبی

عبارت اصلاح نخستین شعر بر اینکه « قوانینی را که ناظر بامر یا نهی گرویدن بمذهبی . . . » متضمن دو مفهوم متمایز و در عین حال مرتبط است.

یکی حاوی تفکیک مذهب از سیاست یا دولت از کلیساست دیگری مربوط به آزادی گرویدن بمذاهب میباشد.

آزادیهایی که بوسیله اصلاح نخستین مورد تصریح قرار گرفته‌اند، و در مقابل هرگونه مداخله و تجاوزکنگره حمایت گردیده‌اند، اکنون از جمله آزادیها و حقوق شخصی اساسی، هستند، که بموجب اصلاح چهاردهم نیز در مقابل هرگونه مداخله دولت صیانت شده‌اند.

بنا بر این حقوق مربوط با آزادی مذهبی نه بوسیله کنگره نه بوسیله دولت، نه یک سازمان و بنگاه عمومی یا مأمورین دولتی یا انجمن‌ها و یا حکومت ایالت نقض نخواهند شد. اساساً آزادی مذهبی بوسیله قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته است، آزادی پندار، گرایش بمذهب و انجام فرایض مذهبی و آزادی تفکر که شامل آزادی اعتقاد بمذهب هم هست، در اجتماع انسانهای آزاد، اساسی است.

۱ - آزادی اعتقاد و اجرای فرائض مذهبی

ماده اصلاح نخستین تا آنجا که مربوط به آزادی مذهب است، دو جنبه دارد. از یک طرف از هرگونه الزام قانونی نسبت با اعتقاد بمذهب خاصی جلوگیری می‌کند، چه آزادی اعتقاد مذهبی و آزادی الحاق بسازمانهای مذهبی یا اجرای فرائض مذهبی خاصی که افراد بدان گرویده‌اند، بوسیله قانون محدود نمی‌شود. از طرف دیگر این ماده آزادی اجرای اعمال مذهبی مورد انتخاب افراد را برای پیروان آن تضمین می‌کند.

بنابراین ماده مذکور متضمن دو مفهوم است: آزادی اعتقاد و آزادی عمل. آزادی نخستین (اعتقاد) مطلق است اما آزادی ثانوی (عمل) باقتضای طبیعتش ممکن نیست مطلق باشد.

دادگاه عالی در موارد عدیده‌ای تأکید کرده است که این آزادیها در سیستم حکومتی، موقعتیت ممتاز و مقاسی رفیع دارند و ببهانه‌های کم اهمیت نمیتوان آنها را محدودش ساخت. دادگاه عالی بکرات اظهار نظر کرده است که آزادی مذهبی جز بعزل زیر محدود نمی‌شود.

۱ - اگر ثابت شود منافع خطیر و مهم حکومت در معرض تهدید و مواجهه با خطری جدی است.

۲ - برای جلوگیری از خطری عمده و قریب الوقوع که تهدیدی متوجه منافع سازد که حمایت از آنها بعهد دولت است.

۳ - وقتیکه مصالح عمومی بالاترید و بدون ابهام مورد تهدید یک خطر علنی و آشکار است

اصلاح نخستین تبعیضی یا رجحانی بین هیچیک از گروههای مذهبی یا مذاهب خاص قائل نیست و نسبت بهمهمه مذاهب یک حکم دارد. بی اعتقادی نیز مانند آزادی مذهبی مورد تضمین قانون اساسی قرار گرفته است (۱)

حمایت از یک مذهب یا اصول مذاهب در مقابل عقاید مخالف از جمله منافع نیستند که حکومت قانوناً متمکن از دفاع آنها باشد و نیز هیچگونه محدودیتی برای بیان این عقاید مورد قبول نیست.

حکومت (قدرت عمومی) در کشور ما (آمریکا) دارای این اختیار و حق نیست که از حملات واقعی یا تصویری علیه اصول عقاید مذهبی جلوگیری کند مگر اینکه این حملات بوسیله مطبوعات یا در جلسات سخنرانی و یا در فیلم باشد (۲). دادگاه عالی اظهار نظر کرده است که

«خصیصه اصلی این آزادیها اینست که صور مختلفه زندگی، شخصیت عقیده و اعتقاد مذهبی بدون اکراه، تحت لوای آنها پیشرفت می‌کنند این حمایت جز در کشور ما ضروری نیست. کشوری که در آن نژادها و اعتقادات مختلفه وجود دارد.»

و در مورد دیگر اعلام داشته است که :
«اگر اصل ثابتی در نظام کلی حکومت مشروطه وجود دارد این است

۱ - Board of education 330 U.S.I (1947).

۲ - Yoseph Burstymine Wilson 343 U.S. 496 (1952).

که هیچ مأمور دولتی از هر درجه که باشد در یک موضوع سیاسی نمیتواند ، تصمیمی اتخاذ کند که مبتنی بر طرفداری وی از مذاهب ارتدکس و یاسایر مذاهب دیگر باشد و نیز نمیتواند هیچ کس را باقرار نسبت باعتقاد مذهبش بوسیله فعل یا قول الزام نماید . « تمام انواع فعالیت‌های مذهبی تحت حمایت قانون هستند مگر خدمات خیلی عالی یا بسیار پائین کلیسا خواه این خدمات با وعظ و خطابه همراه باشند یا نباشند و نیز هرگونه اعمال مذهبی را میتوان انجام داد یا بتفکر پرداخت و هیچ اهمیت ندارد که این مراسم در کلیسای کوچک یا کلیسای بزرگ یا داخل یک چادر ، یا خانه یا دم در دکان ، در اطاق اجاره‌ای ، در کوچه ، در پارک عملی شود و دامنه فعالیت اولیاء مذهبی نیز همینقدر وسیع است جز آنکه وعظ و خطابه در سنبر انجام می‌شود .

بموجب قانون اساسی کوچه‌ها ، پیاده‌روها ، وبهین نحو کلیساهای کوچک و بزرگ (بشرط آنکه نظم عمومی مختل نشود) بعنوان اماکن مذهبی و خانه خود ممکن است مورد استفاده واقع شوند .

در مورد دعوی *United State V. Ballard* محکمه عالی چنین رأی داده است «روابط انسان با آفریدگارش بدولت ارتباط ندارد حق گرایش بمذهب مورد انتخاب شخص متضمن این امر است که فرد در مقابل هیچ کس بلحاظ عقیده مذهبیش بازخواست نشود

قانون هیچ موضوعی را بعنوان بدعت و الحاد تلقی نمی‌کند و هیچ اصل کهنی را حمایت نمی‌نماید و هیچ فرقه‌ای را خلاف مذهب نمی‌داند» (۱)

آزادی پندار که شامل آزادی اعتقاد مذهبی نیز هست در اجتماعات انسانی در زمره آزادیهای اساسی است این آزادی شامل قبول برخی از مسائل که از نظر مذهب ارتدکس کفر آمیز است نیز میباشد . در سیستم مشروطیت ما (آمریکائیه) هیچ دعوائی بعنوان الحاد پذیرفته نمی‌شود . حمایتی که اصلاح نخستین از فعالیت‌های مذهبی نموده است ، مجزا از تضمینی است که برای انجام مراسم مذهبی در نظر گرفته شده است . آزادی مذهب برای همه افراد شناخته شده است و افراد بلحاظ نیازی که بداشتن اعتقادات مذهبی دارند مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند ، لیکن اگر یک فرقه مذهبی نسبت بسایر مذاهب حالت تجاسر بخود

بگیرد در این صورت دامنه آزادی مذهبی محدود می‌شود چه این حقوق فقط تا آنجا وجود دارد که مسالمت آمیز و ملایم باشد.

قانون اساسی در موضوع اعتقاد مذهبی آزادی نامحدودی را پیش‌بینی کرده است اما آزادی اجرای اعمال مذهبی چه از نظر قانون اساسی فدرال و چه از نظر قانون اساسی ایالات مختلف تا آن حد وجود دارد که ناقض قانون جزا نباشد و بی‌حرمتی با اخلاق و نظم عمومی تلقی نشود و دامنه اجرای قانونی را که بوسیله پلیس برای حفظ امنیت و سلامت عمومی مقرر شده است، محدود نسازد.

مثلا تبلیغ بنفع رژیم تعدد زوجات باستناد اینکه چنین اموری از اصول مذهبی بشمار می‌رود، بعنوان تمتع از آزادی مذهبی قابل دفاع نیست، زیرا تعدد زوجات خلاف مصالح و منافع عمومی است و بمنزله جرم نا‌هنجاری است که علیه اجتماع ارتکاب می‌یابد،

بطور کلی حکومت ایالتی حق دارد که مقرراتی جهت هدایت و بهبود وضع اطفال صغیر وضع نماید مثلا علی‌رغم اعتراض والدین اطفالی که می‌خواهند فرزندان آنها در شب بعنوان استفاده از آزادی مذهبی رساله مذهبی بفروشند، مقررات خاصی از نظر کار وضع نماید. حق اجرای اعمال مذهبی متضمن این نیست که از این آزادی بنحوی استفاده شود که بچه‌ای بمرضی مبتلا شود و یا بمیرد. تزریق واکسن هرچند مغایر اعتقادات علمای کلیسا باشد، از آنجائیکه در بهداشت عمومی مؤثر است برای همه اجباری است و مخالفت بانظریات مذهبی مانع عمومیت و الزامی بودن آن نیست. اگر یک دانشجوی علوم مذهبی بخواهد در دانشکده بتحصیل خود ادامه دهد باید از ناحیه ریه تحت معاینه رادیوسکوپی قرار گیرد، تا اطمینان حاصل گردد که بمرض سل مبتلا نمی‌باشد حتی در مورد نوزادانی که والدین آنها مبتلا بامراض خونی هستند، تعویض خون برخلاف میل والدین آنها صورت می‌گیرد

افزودن کلور به آب هر چند مغایر با نظریه علمای مذهبی است و آنها این ماده را فرآورده داروئی می‌شناسند و در نتیجه استفاده از آن را برخلاف اصول مذهبیشان می‌دانند، معمول است. در دعوائی که علیه بارنت (۱) اقامه شده است دادگاه عالی اعلام داشته که ما معتقدیم که وادار کردن افراد بانجام مراسم مذهبی

خاص بوسیله متصدیان امور محلی، خارج از حدود قدرت و اختیاراتی است که قانون اساسی برای آنان شناخته است چه، اصلاح نخستین خواسته است مأمورین دولتی را از دخالت در زندگی روحانی مردم دور نگهدارد.

حق انجام فرائض مذهبی را نمیتوان محدود کرد و تمام قوانینی که فعالیت‌ها و تشکیل اجتماعات مذهبی را موقوف بکسب اجازه از مقامات رسمی نمایند، برخلاف قانون اساسی هستند آراء عدیده‌ای که باطل اعلام شده اند، نه برای این بوده است که استفاده از پارکها و سایر اماکن عمومی را برای تشکیل اجتماعات مذهبی و پرداختن بفعالیت‌های مذهبی، مجاز دانسته‌اند، بلکه باین لحاظ که موافقت یا امتناع مقامات رسمی را برای استفاده از این پارکها ضروری شناخته‌اند. محکمه عالی اعلام کرده است که اعطاء این حق بمقامات رسمی که با استفاده از اماکن عمومی برای اجتماعات مذهبی، موافقت یا مخالفت نمایند، و اجازه و یا عدم اجازه آنها مبتنی بر ضابطه روشنی نباشد و با مقررات عادی و معمولی استفاده از این اماکن نیز نامربوط باشد، برخلاف قانون اساسی میباشد و لذا همیشه محکوم گردیده است.

حکومت ایالتی حق ندارد کلیه اجتماعات مذهبی را در کوچه‌ها و پارکها ممنوع سازد بلکه فقط می‌تواند بطریقی سوجه این اجتماعات را تحت مقررات خاص قرارداد زیرا کوچه‌ها و پارکها از اماکن عمومی هستند و همه مردم حق دارند از آنها استفاده کنند و بطور کلی هدف این مقررات باید قابل استفاده دانستن این پارکها باشد.

منع استفاده از فلان یا فلان مکان برای فعالیت‌های مذهبی بشرط آنکه مقررات و نظاماتی که در طریق استفاده از این محلها وضع شده است، موجه و بدون ابهام و موافق مقررات کلی باشد و نسبت بتمام اماکن اجرا گردد مجاز است با وضع مالیات و عوارض برای تمتع مردم از حق استفاده از اماکن عمومی جهت اجرای مراسم مذهبی نمیتوان مانع ایجاد نمود انجمنهای محلی نیز حق ممانعت از نشر عقاید مذهبی را ندارد هرچند که آن مذهب فاقد وجاهت ملی و ناخوش آیند باشد. حکومت ایالتی نمیتواند حقوق مردم را در تمتع از این آزادیها ندیده بگیرد. قوای عمومی (حکومت) نمیتواند از معاف کردن کسی از پرداخت مالیات بدلیل اعتقادات مذهبی امتناع نماید.

۲ - تفکیک سیاست از مذهب (دولت از کلیسا)

موضوع شرط دوم مندرج در اصلاح نخستین مربوط به « . . . امر بگرویدن ب مذهبی است . . . » اصل حقوق اساسی آمریکا را که ناظر بتفکیک سیاست از مذهب است اعلام میدارد . این اصل حد فاصلی بین سیاست و مذهب ایجاد کرده است درسه مورد مهم که عبارتند از سرافعه (اورسن) (۲) و Mc. Collum ، « زوراش » ، محکمه عالی مبنای تاریخی این اصل و هدف و مفاد تفسیر و اجرای این مقررات را مورد بررسی قرار داده است .

در موارد فوق محکمه عالی اظهار نظر کرده است که عبارات ذیل حد اقل معنائی را که این اصل در بردارد بیان خواهند نمود .

«مقررات اصلاح نخستین مربوط به «ایجاد مذهب» حد اقل دارای این معناست که هیچیک از حکومت ایالات یا حکومت فدرال نمیتواند ایجاد مذهبی بنماید هیچیک از حکومتها (فدرال و ایالات) حق ندارد قوانینی وضع کند که بموجب آنها ب مذهبی کمک نماید یا بتمام مذاهب مساعدت کند و یا حتی نسبت ب مذهبی در مقابل مذاهب دیگر رجحانی قائل شود ، حکومتهای ایالات و فدرال نمیتوانند هیچکس را بر خلاف میلش وادار بقبول یا عدم قبول مذهب نمایند یا او را مجبور بداشتن مذهبی یا نداشتن عقیده‌ای کنند . هیچ فردی را بلحاظ داشتن یا نداشتن اعتقادات مذهبی و انجام یا عدم انجام تکالیف مذهبی یا برای رفتن یا نرفتن به کلیسائی خاصی نمیتوان محکوم کرد . هیچ نوع مالیاتی بهر مبلغ ، کم یا زیاد بهر رسم و بهر شکل اعم از آنکه برای ثبت انجمنهای مذهبی و غیره باشد نباید برای فعالیت ها یا سازمانهای مذهبی وضع شود . نه حکومت ایالات و نه حکومت فدرال بهیچ نحو علناً یا سرآ نباید در مراسم مذهبی یک گروه یا یک سازمان مذهبی شرکت جوید . همانطور که جفرسن در این باره گفته است که مقررات اصلاح نخستین که مخالف ایجاد مذهبی بوسیله قانون است ، دیواری رفیع بین سیاست و مذهب بپا کرده است .

در موضوع دعوای «اورسن» یکی از قوانین ایالت «نیوجرسی» که اجازه میداد از وجود حاصل از درآمد عمومی کرایه اتوبوس محصلین را بین منزل و مدرسه مذهبی بپردازند مغایر اصلاح نخستین قانون اساسی تلقی نگردیده است .

اکثریت تصدیق کرده‌اند که قانون مذکور متضمن نفع جامعه است و بسود بچه‌هاست نه بسود مدرسه و محکمه نتوانسته است مانع شود که حکومت ایالتی برای منافع عمومی ایالت، بدون توجه بعقیده مذهبی آنها، قانونی تصویب کند.

اقلیت تأکید کرده‌اند که این قانون بنحو بارزی از مقررات اصلاح نخستین تغلف نموده است و نتیجه آن جزاین نیست که درآمد عمومی بمصرف کمک بمدارس مذهبی شود و باین وجوه طلاب خود را بمدرسه ببرند.

از نظر کلی طبق مفاد اکثریت آراء محاکم ایالتی اختصاص درآمد عمومی برای ایاب و ذهاب مدارس مذهبی برخلاف قانون اساسی تلقی گردیده است و معهدا مسئله فوق هنوز هم متنازع فیه است.

در موضوع *Mc Collum* محکمه عالی اظهار نظر کرده است که سیستم « وقت آزاد » در مدارس عمومی ایلی نويز برخلاف قانون اساسی است زیرا طبق این سیستم معلمین تعلیمات دینی در ساعاتی که وقت کلاس اجباری مدارس برای تعلیم برنامه عمومی است به مدارس می‌آیند که درس بدهند در این صورت نسبت بشاگردانی که والدین آنها خواسته‌اند در وقت آزاد تحصیلات عمومی خود را ادامه دهند، این مسئله پیش می‌آید که ناگزیر باید بقسمت دیگری از مدرسه که معلمین مذهبی و تعلیمات دینی وجود ندارد بروند. محکمه عالی اعلام کرده است که این شیوه حمایت از گروههای مذهبی و فراهم ساختن وسائلی که آنها بتوانند در مدارس تبلیغ دین خود را بپردازند، با توجه باینکه مدارس از پول مؤدیان مالیاتی ساخته شده‌اند و نگهداری آنها نیز از همین وجوه است برخلاف قانون اساسی است که دولت را از کلیسا تفکیک کرده است، و قتیکه حکومت ایالتی اجازه میدهد که ساختمانهای مدارس مذهبی بوسیله وجود حاصل از درآمد عمومی نگهداری شوند و سپس این مدارس برای تبلیغ عقاید مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یا اینکه مخارج ایاب و ذهاب شاگردان مدارس مذهبی را برای حضور در کلاس تعلیمات دینی سپردارند، تکیه گاه ارزنده‌ای برای فرقه‌های خاص مذهبی که از این کمک‌ها برخوردار می‌شوند، خواهد بود.

در قضیه «زوراش» محکمه عالی چنین رأی داده است که برقراری سیستم وقت آزاد که بموجب آن بتقاضای والدینی که میخواهند اطفالشان در ساعاتی

که حضور در کلاسهای عمومی الزامی است، در مراکز دیگری باموختن تعلیمات دینی پردازند، و سایر شاگردان در کلاسهای عمومی باقی بمانند، برخلاف قانون اساسی نیست، و با این قسمت از قانون اساسی که مقرر میدارد «مدارس عمومی جز در ساعات خارج از برنامه عمومی وقت خود را مصروف آموزش مذهبی نمی‌نمایند» مغایرتی ندارد خصوصاً که اکثریت اعلام کرده‌اند که:

« . . . مسلم است که اصلاح نخستین از فکر تفکیک سیاست از مذهب الهام گرفته است و لذا در آنچه که مربوط به «آزادی انجام فرایض مذهبی است» و آنچه که درباره «رسمی دانستن و یا ایجاد مذهبی است» باید تفکیک قائل شد. در موضوعاتی که مشمول مقررات اصلاح نخستین میشود، هیچگونه استثنائی وجود ندارد و منع مطلق است.

« . . . وقتی که حکومت ایالتی تعلیم مسائل مذهبی را تشویق کند یا با اولیاء امور مذهبی همکاری نماید، یا برنامه دروس عمومی را با ضروریات ناشی از تعلیمات فرق مذهبی هماهنگ سازد، در طریق سنن عالییه، قدم برداشته است چه در اینصورت حکومت مذهب مردم را محترم می‌شمرد و سازمانهای عمومی را بانیازهای روحانی مردم هماهنگ می‌سازد لیکن ما قبول می‌کنیم که حکومت ایالتی چنین حقی ندارد زیرا این امر موجب رجحان کسانیکه معتقد و پیرو هیچ مذهبی نیستند بر آنها که دارای اعتقادات مذهبی هستند، خواهد شد حکومت حق ندارد از گروههای مذهبی مالیات بگیرد و نیز نباید خود متعهد و وظیفه دار آموزش مذهبی گردد و یا استفاده از سازمانهای عمومی را برای اشاعه مذاهب مجاز شناسد . . . حکومت باید در برابر رقابت فرق مختلفه مذهبی بیطرف باشد حکومت حق ندارد کسی را وادار کند در عداد پیروان مذهبی خاص درآید و نیز واجد هیچ حقی از نظر کنترل در خصوص اجرای امور مذهبی نیست حکومت نمیتواند کسی را مجبور کند که بکلیسا آید و یا در اعیاد مذهبی یا موختن تعلیمات دینی شرکت جوید.

اما حکومت حق دارد از لحاظ حفظ منافع کسانیکه می‌خواهند از محراب برای آموزش تعلیمات مذهبی استفاده کنند فعالیت‌های مذهبی را متعلق و موقوف سازد یا حتی در کلیسا را به بندد.

دعاوی عدیده دیگری نیز در موضوع اقامه نماز و قرائت انجیل در

مدارس عمومی و سرود مذهبی نوئل و نماز و دعا‌های مذهبی در مدارس عمومی دادن دیپلم مدارس عمومی در اماکن مذهبی، و جائیگه حاخام سوگند می‌دهد یا دعا و استغاثه بپایمی‌کند، و آموزش مذهبی در دانشکده‌هایی که بکمک دولت اداره میشوند مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. اما از این میان مسئله‌ای که هنوز هم ما به اختلاف است مطالعه و قرائت انجیل در مدارس عمومی برخی ایالات است این امر اخیراً در محکمه عالی مورد بحث قرار گرفته و رأی صادره در باره آن متضمن نکات دقیقی خواهد بود و نیز در دعاوی متعددی که در ایالات مختلفه پیا شده است نتیجتاً پوشیدن لباس مذهبی بوسیله معلمین مدارس عمومی مغایر با مقررات قانون اساسی شناخته شده است و تأکید گردیده که اجازه داده نشود که مدارس عمومی بعنوان مراکزی جهت توزیع انجیل مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از درآمدهای عمومی بِنفع مدارس یا سازمانهای مذهبی در اغلب موارد مخالف با قانون اساسی بشمار آمده است و اختلاط مدارس مذهبی با مدارس عمومی بمنزله تخطی از اصل تفکیک سیاست از مذهب تلقی گردیده است.

بطورکی محاکم حقوقی عمومی از رسیدگی کردن و رأی دادن در باره دعاوی کلیسایی که مربوط با امور داخلی کلیساها و مسائل ناشی از تشریفات «اعتراف» است ابامی‌کنند. بعبارت دیگر این محاکم از تفسیر قوانین مذهبی سرباز می‌زنند برعکس رویه قضائی، محکمه حقوق عمومی را برای تشخیص «حقوق حقیقی و شخصی» حاصل از دعاوی مربوط بنگهبانی مذاهب را، صالح می‌شناسد، هرچند این محاکم آن مذهب را موضوعاً قبول نداشته باشند.

در موضوع First unitarion church تأکید شده است که هیچ

حکومت ایالتی حق ندارد کلیسا را از مالیاتی که باید برای اسوال غیر منقولی که مورد استفاده مذهبی قرار میدهد باین بهانه که متصدیان از اتیان سوگند وفاداری امتناع می‌کنند، معاف بدارد. و محکمه عالی اعلام کرده است که در حقیقت چنین سوگندی مغایر با آزادی بیان و مطبوعات مصرح در اصلاح چهاردهم است.

اما در مرفعه مشهور Orgeon تأسیس کردن مدارس خصوصی و مدارس کلیسایی بوسیله محکمه عالی مجاز شناخته شده است. قانون این ایالت

که تمام بچه‌ها را مجبور به تحصیل در مدارس نموده است برخلاف قانون اساسی میباشد. این رأی محکمه عالی به والدین اطفال حق داده است که فرزندان خود را بمدارس خصوصی یا مذهبی بفرستند. اما دولت‌ها حق دارند برای مدارس خصوصی و مذهبی مقررات مقتضی و مناسب وضع نمایند و بموقع اجرا گذارند و در موضوع تعلیمات و سایر مسائل برخی شرایط نظیر شرایطی که در مدارس عمومی ملحوظ است، ایجاد نمایند. در باب این مسئله که آیا وجوه حاصل از درآمد عمومی را میتوان بعنوان خدمات تعاونی مانند (نشر رسالات مجانی، ایاب و ذهاب با اتوبوس خدمات بهداشتی، تغذیه و خوراک رایگان و غیره) بدون نقض مقررات قانون اساسی، مصرف نموده یا نه اظهار نظرهای مختلف شده و آراء گوناگونی نیز صادر گردیده است.

همانطوریکه محکمه عالی در موضوع سرافعه «اورسن» تاکید کرده است که دو تعارض عمده علی‌الدوام در حال نقصان است یعنی دو امر تضاد و تغایر خود را بتدریج از دست می‌دهند، یکی از این امور «تعلیمات» و دیگری تفکیک اصولی مقرر بوسیله اجداد، بین مذهب و اولیاء امور اجتماعی است، یکی ناظر باشاعه تعلیمات و اجرای اعمال مذهبی در مدارس عمومی و دیگری متوجه جلب سرمایه عمومی و همگانی برای کمک‌های مختلفه بمدارس مذهبی خصوصی است.

از اینگونه دعاوی همیشه در تمام ایالات مطرح می‌شود، اما در درجه دوم اهمیت قرار دارند زیرا اساس کار مبتنی بر تفکیک سیاست از مذهب است بالاخره در تمام قلمرو ایالات متحده آمریکا هیچ نوع قرارداد داوری در خصوص این نکته اساسی نه‌موجه است و نه قابل قبول. (در شماره آینده آزادی تشکیل اجتماعات، حق شکایت از تقصیرات دولت، آزادی بیان و مطبوعات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.)